

An Examination of the Foundations of Criminalization of Incitement to Suicide of Children and Adolescents in the Context of Cyberspace

Adnan Omranifar¹ | Mostafa Sheibani²

1. Ph.D. Graduate in Criminal Law and Criminology from Tehran University. Tehran, Iran (Corresponding Author). Omrani.far@ut.ac.ir
2. Judge of the Judiciary; Ph.D Graduate in Criminal Law and Criminology, Meybod University. Meybod, Iran. msheibani89@gmail.com

Article Info

Article type:
Scientific Article

Received:
2025/03/09

Received in revised form:
2025/04/08

Accepted:
2025/04/14

Keywords:
Criminal Law Principles, Criminalization, Cyberspace, Protection of Privacy, Governmental Oversight.

Abstract

The expansion of cyberspace and the removal of geographical constraints have enabled communication to be established in the shortest possible time, leading to the widespread attraction of users. Notwithstanding these advantages, a number of challenges have emerged in this domain, prompting governments to move toward increased oversight, criminalization, and the restriction of behaviors that threaten the public interest. One of the most serious challenges of cyberspace is the incitement of vulnerable individuals—particularly children and adolescents—to suicide; a phenomenon that not only endangers the life of the individual but also inflicts irreparable psychological and physical harm on others and deprives society of its future human capital. Effective confrontation with this phenomenon through criminalization requires the selection of foundations that are most consistent with governmental perspectives and prevailing social norms. Accordingly, the present study, employing a descriptive–analytical method, examines the principles of criminalization across three dimensions: social, political, and legal. These foundations include the harm principle, social acceptability, and public offense in the social dimension; the principles of legal paternalism and expediency in the political dimension; and the protection of legal moralism, privacy, the principle of minimal criminalization, and the harmonization of cyberspace legislation with international approaches in the legal dimension.

How To Cite

Omranifar, Adnan, Sheibani, Mostafa. (2026). An Examination of the Foundations of Criminalization of Incitement to Suicide of Children and Adolescents in the Context of Cyberspace. *Journal of Judgment*, 124(4), 1-27.
<http://doi.org/10.22034/judg.2025.2055475.1394>

DOI

[10.22034/judg.2025.2055475.1394](https://doi.org/10.22034/judg.2025.2055475.1394)



©2025 The Author(s): This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, As long as the original authors and sources are cited. No permission is required from the authors or the publishers.

Publisher

Publications of the Judiciary of Tehran Province

واکاوی مبانی جرم‌انگاری تحریک به خودکشی کودکان و نوجوانان در بستر فضای مجازی

عدنان عمرانی فر^۱ | مصطفی شیبانی^۲

۱. دانش آموخته دکتری تخصصی حقوق کیفری و جرم‌شناسی از دانشگاه تهران. تهران، ایران، (نویسنده مسئول)، رایانامه: Omrani.far@ut.ac.ir

۲. قاضی دادگستری و دانش آموخته دکتری تخصصی حقوق کیفری و جرم‌شناسی از دانشگاه میبد. میبد، رایانامه: msheibani89@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: علمی	گسترش فضای مجازی و حذف محدودیت‌های جغرافیایی، امکان برقراری ارتباط در کوتاه‌ترین زمان را فراهم کرده و موجب جذب گسترده کاربران شده است. با وجود این مزایا، چالش‌هایی نیز در این حوزه پدید آمده که حاکمیت‌ها را به سمت نظارت بیشتر، جرم‌انگاری و محدودسازی رفتارهای تهدیدکننده منافع عمومی سوق داده است. یکی از چالش‌های جدی فضای سایبری، تحریک افراد آسیب‌پذیر، به‌ویژه کودکان و نوجوانان، به خودکشی است؛ پدیده‌ای که علاوه بر آنکه زندگی فرد را به خطر می‌اندازد، آسیب‌های جبران‌ناپذیر روحی و جسمی را به اطرافیان وارد می‌کند و جامعه را از سرمایه‌های انسانی آینده محروم می‌کند. موفقیت در مقابله با این پدیده از طریق جرم‌انگاری، مستلزم انتخاب مبانی‌ای است که بیشترین همخوانی را با دیدگاه‌های حاکمیتی و هنجارهای اجتماعی داشته باشد. در این راستا، پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی اصول جرم‌انگاری را در سه بُعد اجتماعی، سیاسی و حقوقی بررسی می‌کند. این مبانی شامل اصل ضرر، مقبولیت اجتماعی و رنجش عمومی در بعد اجتماعی، اصول پدرسالاری قانونی و مصلحت‌سنجی در بعد سیاسی، و صیانت از اخلاق‌گرایی قانونی، حریم خصوصی، حداقلی‌بودن عناوین مجرمانه و هماهنگی قوانین فضای مجازی با رویکردهای بین‌المللی در بعد حقوقی هستند.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۱۹	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۱/۱۹	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۲۵	
کلیدواژه: اصول حقوق کیفری، جرم‌انگاری، فضای مجازی، صیانت از حریم خصوصی، نظارت حاکمیتی.	
استناد	عمرانی فر، عدنان، شیبانی، مصطفی. (۱۴۰۴). واکاوی مبانی جرم‌انگاری تحریک به خودکشی کودکان و نوجوانان در بستر فضای مجازی، فصلنامه قضاوت، ۲۷-۱، (۴)۱۲۴.
	http://doi.org/10.22034/judg.2025.2055475.1394
DOI	10.22034/judg.2025.2055475.1394
ناشر	انتشارات دادگستری کل استان تهران



مقدمه

طبیعت انسان‌ها به دلیل آنکه میل به آزادی در رفتار و سخن دارند، ممکن است به‌گونه‌ای باشد که در برابر رفتارهای محدودکننده یا اعمال کنترل، مقاومت کنند. بنابراین در خصوص حقوق کیفری که ماهیت آن به نوعی مداخله‌آمیز است، لازم است قبل از هرگونه اقدامی، ادله‌موجه آن ارائه شود (عمرانی‌فر و همکاران، ۱۴۰۳ (الف): ۲۵۱). یکی از چالش‌هایی که امروزه به علت گسترش آن در جوامع به معضلی جدی برای حاکمیت در عرصه مدیریت و کنترل تبدیل شده است، موضوع خودکشی اشخاص است؛ به‌ویژه رواج آن میان قشر آسیب‌پذیر جامعه یعنی اطفال و نوجوانان. در این بین، دولت‌ها ممکن است برای مقابله با این پدیده سیاست‌های متفاوتی را در پیش بگیرند، اما زمانی که بنا بر اعمال سیاست‌های کیفری از طریق جرم‌انگاری این رفتارها باشد، اقدامات دولت هنگامی مشروعیت خواهند داشت که برای عموم شهروندان قابل توجیه باشد و بر ارزش‌ها و هنجارهای مشترک جامعه استوار باشد. این مبانی ممکن است جنبه اجتماعی داشته باشد و با جبران خسارات شهروندان و پاسخ‌گویی به انتظارات آنان مربوط شود و یا رنگ‌وبوی سیاسی پیدا کند و در راستای تقویت اقتدار حاکمیت و تأمین مصالح شهروندان و جامعه قرار گیرد. افزون بر این، توجه به مبانی حقوقی مورد پذیرش نیز نقشی مؤثر در تعیین سیاست‌های کیفری خواهد داشت.

ضرورت بررسی مبانی مرتبط با جرم‌انگاری صرفاً در فضای حقیقی موضوعیت ندارد، بلکه انتخاب مبانی که بیشترین نزدیکی را با نگرش حاکم بر دولت‌ها و هنجارهای مشترک میان شهروندان جامعه‌ای در فضای مجازی داشته باشد، برای پیشگیری یا کاهش آسیب‌های وارده بر کودکان و نوجوانان نیز از این پدیده، کم‌اهمیت‌تر از فضای حقیقی نیست. امروزه با توجه به نفوذ گسترده فضای مجازی در زندگی روزمره مردم به‌ویژه کودکان و نوجوانان و همچنین گستردگی و نامحدود بودن مرزهای آن و جایگزین شدنش با فضای حقیقی برای ارتکاب بسیاری از جرایم، ضروری است برای صیانت از منافع عمومی کاربران زیر هجده سال فضای مجازی و حفظ اقتدار حاکمیت در تأمین نظم عمومی، مبانی مرتبط با جرم‌انگاری تحریک به خودکشی کودکان و نوجوانان در حوزه فضای مجازی نیز تحلیل و بررسی شود. در این زمینه، چنانچه حاکمیت‌ها در جرم‌انگاری رفتارها در فضای مجازی رویکردی افراطی و بیش از حد سخت‌گیرانه اتخاذ کنند و آزادی‌های مشروع افراد را محدود کنند، این مسئله ممکن است نتیجه‌ای معکوس داشته باشد؛ به‌گونه‌ای که موجب اخلال در ابعاد مختلف مادی و غیرمادی زندگی شهروندان شود و در نهایت به کاهش محبوبیت و مشروعیت حاکمیت بینجامد. گفتنی است تمامی این مبانی، به یک میزان در همه نظام‌های حکمرانی برای جرم‌انگاری یک رفتار به کار نمی‌روند و میزان اتکای هر حاکمیت به هر یک از این اصول، بسته به دیدگاه‌های آنان و درجه اهمیت دادن به حقوق شهروندان آن جامعه متفاوت خواهد بود.

پیشینه پژوهش در زمینه تحریک به خودکشی اطفال و نوجوانان در بستر فضای مجازی بسیار محدود است و اغلب مطالعات موجود به جرم‌انگاری این رفتار در فضای حقیقی و یا درباره تحریک به خودکشی همه افراد اختصاص دارد. با توجه به موضوع، روشن است که نگارنده بر بررسی برخی مسائل جدیدی تأکید دارد که پیش‌تر از سوی سایر پژوهشگران کمتر مورد مذاقه علمی قرار گرفته است. نزدیک‌ترین پژوهش به این نوشتار را می‌توان مقاله «تحریک دیگری به خودکشی از منظر فقه و حقوق کیفری» (علیزاده، ۱۴۰۰) و «بررسی حکم خودکشی و معاونت در آن از نظر شریعت و حقوق ایران» (میرزایی، ۱۳۹۹) دانست که در آن نویسندگان محترم صرفاً تحریک به خودکشی در فضای حقیقی و درباره همه افراد جامعه را بررسی کردند و نه به‌طور خاص نسبت به کودک یا نوجوان. همچنین رویکرد این پژوهش‌ها اغلب مبتنی بر مبانی فقهی موضوع است. اما در پژوهش حاضر، نگارنده بر آن است تا مسئله را فراتر از مبانی فقهی، اجتماعی، سیاسی و حقوقی مربوط به تحریک به خودکشی در بستر فضای مجازی به‌ویژه درباره کودکان و نوجوانان تحلیل و بررسی کند. بر این اساس، پرسش اصلی در پژوهش حاضر آن است که مبانی جرم‌انگاری تحریک به خودکشی کودکان و نوجوانان در فضای مجازی چیست و میزان پذیرش آن‌ها با توجه به نگرش هر حاکمیت چگونه خواهد بود؟

برای پاسخ به سؤال پژوهش، لازم است هر یک از مبانی مرتبط یعنی مبانی اجتماعی، سیاسی و حقوقی بیان شود و ارتباط مصادیق ذیل آن و جرم‌انگاری تحریک به خودکشی در بستر فضای مجازی در حوزه کودکان و نوجوانان تحلیل و بررسی شود.

۱. مبانی اجتماعی

از جمله مسائلی که ممکن است دولت‌ها را به سوی جرم‌انگاری رفتاری خاص در فضای مجازی سوق دهد، مواردی مانند حفظ منافع اجتماعی و هنجارهای اساسی و پذیرفته‌شده شهروندان، ارزیابی میزان آسیبی است که ارتکاب آن رفتار به جامعه وارد می‌کند و در نهایت میزان مشروعیت حاکمیت در محدودکردن یا کنترل آزادی فعالیت کاربران در بستر فضای سایبری است. برخی از اندیشمندان با توجه به ابعاد اجتماعی جرم‌انگاری، آن را فرایندی تلقی کرده‌اند که در آن مقنن با در نظر گرفتن ارزش‌ها و هنجارهای مقبول اکثریت افراد جامعه، ارتکاب رفتاری را مستوجب مجازات می‌داند. این موضوع، بر اساس جهان‌بینی و هنجارهای حاکم در زمان و مکان‌های مختلف، متفاوت خواهد بود (آقابابایی، ۱۳۸۴: ۱۲؛ می‌ری دلماس، ۱۳۹۳: ۶۳؛ اکبری و مقدم، ۱۳۹۶: ۲۳). همچنین اقتناع افکار عمومی جامعه از میزان مجازات تعیین‌شده، همگی به نوعی در تعیین نوع کیفر و شدت و ضعف اعمال آن مؤثر خواهند بود (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۸۹: ۳۴؛ حبیب‌زاده و زینالی، ۱۳۸۴: ۱۲).

در بررسی مبنای مذکور، باید به اصول مرتبط با آن یعنی اصل ضرر، مقبولیت اجتماعی و همچنین میزان رنجش شهروندان از ارتکاب رفتاری خاص توجه شود؛ اصولی که همگی به نوعی سنگ بنای اجتماعی تعیین کیفر برای افرادی به شمار می‌روند که احساس جمعی جامعه را با تحریک به خودکشی قشر آسیب‌پذیر آن، یعنی کودکان و نوجوانان خدشه‌دار می‌کنند. بنابراین لازم است در ادامه هریک از این مبانی به صورت جداگانه بررسی شوند.

۱-۱. اصل ضرر

تاریخچهٔ استناد به «اصل ضرر» را می‌توان به زمان پیدایش مکتب لیبرالیسم و نظریات نزدیک به آن دانست؛ زمانی که اغلب کشورهای غربی و اروپایی در علوم گوناگون تجربی و اجتماعی پیشرفت داشتند و آن را به مثابهٔ مبنایی برای صلاحیت خود در کنترل و یا محدودکردن آزادی‌های اشخاص قرار دادند. اصل مذکور نخست به صورت غیررسمی در کمیته‌ای به نام «ولفندون» در انگلستان مطرح شد. این کمیته اعلام کرد که روابط همجنس‌گرایانه جز در مواردی که به سوءاستفاده از کودکان بینجامد و یا موجب مزاحمت شود، می‌تواند مشروع دانسته شود (Echr, 1981: 16). در نوشته‌های جان استوارت میل^۱ نیز، اصل ضرر یگانه مبنای مشروع برای محدودکردن آزادی افراد اعمال مجازات بر آنان معرفی شده است (کاپلستون، ۱۳۷۵: ۲۹؛ میل، ۱۳۷۵: ۲۶۴). همچنین افراد دیگری مانند هارت در مقالات خود با پیروی از دیدگاه میل و با استفاده از «اصل فایده‌مندی»^۲، آن را مبنای توجیه‌کننده برای جرم‌انگاری یک رفتار در جامعه دانسته‌اند. او بر این باور است صرف بی‌توجهی به هنجارهای سنتی جامعه، دلیل کافی برای مجازات رفتاری خاص نیست و چنین رفتاری فقط زمانی باید جرم‌انگاری شود که برای دیگران زیان‌بار باشد (Feinberg, 1988:365؛ نجفی توانا و مصطفی‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۵۰).

در خصوص ارتباط اصل ضرر و جرم‌انگاری تحریک به خودکشی اطفال و نوجوانان در فضای مجازی، می‌توان گفت که حتی سخت‌گیرترین حاکمیت‌ها در حوزهٔ کیفرگزینی و محدودکردن آزادی شهروندان که نگاهی مادی‌گرایانه به مقولهٔ ضرر دارند، نیز این اصل را مبنای مهمی برای جرم‌انگاری این رفتار می‌دانند؛ چراکه خودکشی طفل یا نوجوان جامعه را با دو زیان مواجه خواهد کرد: نخست، زیان فردی که متوجه جسم، روح و روان خانواده و نزدیکان بزه‌دیده می‌شود و دوم، زیان اجتماعی که موجب از دست رفتن نیروهای انسانی و سرمایه‌های آینده‌ساز جامعه می‌شود و روند پیشرفت آن را کند می‌کند. افزون بر این، چنین رخدادی توانایی حاکمیت در ادارهٔ امور را

1. John Stuart Mill.

2. The principle of utility.

نیز زیر سؤال می‌برد و به کاهش محبوبیت و مشروعیت آن منجر خواهد شد. این مسئله در فضای مجازی شدت بیشتری پیدا می‌کند؛ زیرا که این محیط بسیار گسترده است و محدود به مرزهای فیزیکی مشخصی نیست و با جذابیت‌های خود می‌تواند کاربرانی با سنین پایین را به خود جذب کند و آنان را بیش از پیش در معرض آسیب‌های جسمی و روانی مانند افسردگی و احساس پوچی و در نهایت خودکشی قرار دهد.

۱-۲. مقبولیت اجتماعی

پذیرش اجتماعی شهروندان در محدود کردن رفتاری خاص و کیفی‌گزینی آن، یکی از مبانی مهم جرم‌انگاری به شمار می‌رود. از این رو، انتظار مردم از حاکمیت آن است که فرایند جرم‌انگاری در راستای صیانت از هنجارها و ارزش‌های پذیرفته‌شده آنان و بر اساس شرایط اقتصادی، فرهنگی و اخلاقی جامعه صورت گیرد (عمرانی فر و شیدائیان، ۱۴۰۳: ۶۸). در این بین برخی باور دارند که جرم‌انگاری برابر است با هر رفتاری که از نظر عموم شهروندان نادرست و مغایر حقوق آن‌ها باشد؛ اما این دیدگاه به‌طور مطلق صحیح نیست. در جوامع دینی، مقبولیت الهی بر مشروعیت نزد مردم اولویت دارد و جرم‌انگاری بر اساس آن صورت می‌گیرد، در حالی که، در نگاه حاکمیت‌های لیبرال مقبولیت اجتماعی بر مشروعیت الهی تقدم دارد؛ در نتیجه تا رفتاری نظم عمومی را بر هم نزند یا مطالبه مردم برای مقابله با آن وجود نداشته باشد، حاکمیت حق دخالت در آن را ندارد (هوساگ، ۱۳۹۰: ۲۶؛ سلطانی، ۱۳۹۶: ۱۲۱).

در خصوص جرم‌انگاری تحریک به خودکشی در فضای مجازی نسبت به افراد زیر هجده سال، به نظر می‌رسد پذیرش این مبنا چندان دشوار نباشد، زیرا در اغلب جوامع شهروندان از حاکمیت انتظار دارند با اشخاصی که از طرق مختلف از جمله به وسیله فضای مجازی، کودکان و نوجوانان را به از بین بردن خود ترغیب یا تشویق می‌کنند، برخورد قاطع صورت گیرد. با این حال، شدت این انتظار بسته به ارزش‌ها و هنجارهای پذیرفته‌شده جامعه و همچنین نوع مقبولیتی که حاکمیت مبنای مشروعیت خود قرار می‌دهد، متفاوت خواهد بود. بنابراین در جوامع لیبرال و آزادی‌خواه، مقبولیت اجتماعی مبتنی بر خواست و اراده مردم نقش تعیین‌کننده‌ای در جرم‌انگاری یا عدم جرم‌انگاری این رفتار دارد؛ در مقابل، در جوامع اخلاق‌محور یا اسلامی، مبانی اخلاقی و منافع معتبر فقهی، از جمله قرآن کریم و سنت، در این فرایند اثرگذارند. با وجود این، در برخی از موارد دیده می‌شود که حاکمیت‌ها به دلیل فراهم نکردن بستر مناسب برای آمادسازی افکار عمومی، به‌ویژه ا فشار خاصی همچون کودکان و نوجوانان، به ایجاد محدودیت در فضای مجازی روی می‌آورند. همچنین گاهی عقب‌ماندگی از فناوری‌های نوین و سرعت بالای تغییرات در آن از جمله فضای مجازی، سبب

می‌شود قوانین مرتبط با موضوع تدوین نشود و با قوانین پیشین کارایی خود را از دست بدهند. در نتیجه، میان جرم‌انگاری در بستر فضای مجازی و مقبولیت اجتماعی تعارضاتی پدید می‌آید.

۱-۳. رنجش عموم افراد جامعه

به‌زحمت افتادن عموم مردم بر اثر ارتکاب رفتاری خاص، می‌تواند یکی از مبانی‌ای باشد که دولت را به سوی جرم‌انگاری آن رفتار سوق می‌دهد. تحقق مبنای رنجش عمومی، منوط به وجود سه موضوع است: نخست، تحمیل وضعیتی بادوام اما نامطلوب؛ دوم، وضعیت غیرقابل تحمل که ناشی از عمل اشتباه دیگری است؛ و سوم، رنجش و یا خشم سایرین از این رفتار یا وضعیت نامطلوب (Fienberg, 1988: 1-2). با این حال، به نظر می‌رسد این نظریه ضعف‌هایی جدی دارد؛ از جمله آنکه ماهیت این نظریه تفاوت‌چندانی با اصل ضرر ندارد و از سوی دیگر، نوع و کیفیت رنجش، اعم از جسمی، روانی یا هر دو، به‌روشنی مشخص نشده است. همچنین معیار دقیقی برای میزان رنجشی که جرم‌انگاری یک رفتار را ضروری می‌سازد، ارائه نشده است.

در خصوص تأثیر مبنای رنجش عمومی در جرم‌انگاری تحریک کودکان و نوجوانان به خودکشی در فضای مجازی، به نظر می‌رسد با توجه به فراگیری این فضا و حضور گسترده کاربران مختلف، به‌ویژه کودکان و نوجوانان، و بهره‌مندی از آن به منظور گذران فعالیت‌های تحصیلی و علمی خود و همچنین گذران اوقات فراغت در فضای مجازی و برقراری ارتباط با اشخاص دیگر در سراسر جهان. در کنار این کارکردهای مثبت، حضور مجرمان سایبری که با هدف سوءاستفاده و کسب منفعت‌های مادی و معنوی، کودکان یا نوجوانان را فریب می‌دهند می‌تواند آن‌ها را در معرض آسیب‌های جدی قرار دهد؛ مانند القای شرایط روحی و روانی خاص که نهایتاً به خودکشی منجر شود. این موضوع علاوه بر رنجش بزه‌دیده، موجب آزار خانواده و اطرافیان وی نیز می‌شود. همچنین به دلیل پیچیدگی و ناشناختگی این فضا، در بسیاری از موارد ممکن است عامل خودکشی نیز شناسایی نشود و این خود منتج به «بزه‌دیدگی ثانویه» وابستگان کودک یا نوجوان خواهد شد.

۲. مبانی سیاسی

یکی از مبانی مهم در پذیرش محدودسازی آزادی شهروندان و اعمال کنترل بر رفتارهای آن‌ها، جهت‌گیری سیاسی و سیاست‌های حاکم بر دولت است. برخی از اندیشمندان این حوزه، به بعد سیاسی جرم‌انگاری توجه دارند و آن را فرایندی می‌دانند که حاکمیت با اتکا بر قدرت خود و بر اساس اصول پذیرفته‌شده، قلمرو آزادی رفتار اشخاص را تعیین و حوزه‌ای از آن را در دایره کنترل قهرآمیز خود قرار می‌دهند. بر این مبنا، جرم با توجه به شرایط ساختاری ویژه هر حاکمیت،

تعریف خواهد شد (Rawls, 1993: 38؛ شمعی، ۱۳۹۲: ۶۲). برخی از حاکمیت‌ها همانند جوامع لیبرال، سیاست‌های حداقلی را برای تعیین کیفر در پیش گرفتند و فقط در صورت ضرورت و وجود منافع مهم و انتظار عمومی بر صیانت از آن، جرم‌انگاری می‌کنند. در مقابل در جوامع اقتدارگرا و یا توتالیتنه، نگاه موسع‌تری به مقوله جرم‌انگاری وجود دارد و مبانی سیاسی اغلب در راستای حفظ نظم عمومی و تقویت اقتدار حاکمیت خواهد بود (گلدوزیان، ۱۳۸۶: ۲۷).

در این بین، یکی از سیاست‌های حاکمیت برای حفظ اقتدار و استمرار بقا در جامعه و همچنین اقصاء افکار عمومی، مقابله با رفتارهایی مانند تحریک به خودکشی به‌ویژه نسبت به گروه‌های آسیب‌پذیر مانند افراد زیر هجده سال است. در راستای تبیین دقیق‌تر این رویکرد، در ادامه اصولی مانند «پدرسالاری قانونی» و «مصلحت عمومی» که مرتبط با مبانی سیاسی جرم‌انگاری در بستر فضای مجازی، به‌ویژه در زمینه تحریک به خودکشی کودکان و نوجوانان هستند، بررسی خواهند شد.

۲-۱. پدرسالاری قانونی

یکی از اصول جرم‌انگاری مرتبط با مبانی سیاسی، نظریه «پدرسالاری قانونی و یا حقوقی»^۱ است. بر اساس این نظریه، حاکمیت همانند پدر دلسوزی که آرزوی خوشبختی و سعادت را برای فرزندان خود یعنی شهروندان جامعه دارد، با وضع محدودیت‌ها و کنترل برخی رفتارها در پی حمایت از آنان و جلوگیری از آسیب‌دیدگی‌شان برمی‌آید (هارت، ۱۳۸۸: ۶۲؛ نوبهار و صفاری، ۱۳۹۵: ۲۱۹؛ عمرانی‌فر و همکاران، ۱۴۰۳ (ب): ۶۲). همچنین مطابق این اصل، مبنای جرم‌انگاری رفتاری خاص فقط وجود ضرورت و یا ورود خسارت به شهروندان نیست، بلکه چنانچه به از بین رفتن هنجارهای اخلاقی و کندی حرکت شهروندان در مسیر صحیح اخلاقی منجر شود، مجوزی برای دخالت حاکمیت خواهد بود (برهانی، ۱۳۹۴: ۱۰۹). در این میان، برخی از طرفداران این اصل بر این باورند که بخشی از شهروندان توانایی کافی برای تشخیص درستی یا نادرستی امور را ندارند و ممکن است با انتخاب‌های اشتباه، به حقوق خود و دیگران آسیب بزنند. بنابراین حاکمیت می‌تواند با استفاده از ابزارهای قهری مانند کیفر، آنان را در مسیر درست قرار دهد (گری، ۱۳۸۹: ۱۷۱).

در زمینه ارتباط جرم‌انگاری تحریک به خودکشی کودکان و نوجوانان در فضای مجازی و اصل یادشده، می‌توان آن را این‌گونه تشریح کرد که حاکمیت به‌منزله نهادی که خود را موظف به ارشاد و هدایت شهروندان در مسیر صحیح و کسب سعادت مادی و معنوی می‌داند، صیانت از حقوق مردم را چه در بستر فضای حقیقی و چه مجازی، تکلیفی اساسی قلمداد می‌کند. بنابراین با توجه

1. Legal or legal patriarchy.

به جهان شمول بودن فضای سایبری و درگیری آحاد شهروندان به ویژه کودکان و نوجوانان با این فضا و نیز سوءاستفاده مجرمان سایبری از چنین بستری، حاکمیت که قدرت و مشروعیت خود را از اعضای جامعه می‌گیرد، ناگزیر است برای حفظ نظم عمومی، جلوگیری از انحراف کاربران زیر هجده سال از مسیر مطلوب و پیشگیری از بروز ضعف حاکمیت در مدیریت و سرپرستی جامعه به مثابه پدری دلسوز و عدم کاهش اقتدار و مشروعیت، به اعمال این اصل توجه کند. بدین ترتیب، پیوند میان اصل پدرسالاری قانونی و مسئله تحریک به خودکشی کودکان و نوجوانان در فضای مجازی، امری اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.

۲-۲. مصلحت‌سنجی

یکی از مبانی مهم برای جرم‌انگاری رفتاری خاص از منظر حاکمیت‌های مختلف، تأمین مصلحت شهروندان و دفاع از منافع ارزشمند جامعه و یا حداقل بخش اعظمی از آن‌ها است. مصلحت‌بایستی به‌گونه‌ای باشد که ارزش پذیرش خطر مداخله در آزادی‌های مردم، محدودسازی و کنترل آنان را داشته باشد (شبان‌نیا و قربانی، ۱۳۹۲: ۳۴؛ فارال و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۴). در جوامع آزادی‌خواه و به اصطلاح لیبرال، ماهیت مصلحت عمدتاً مادی‌گرایانه است؛ به این معنا که حاکمیت زمانی وارد عمل می‌شود که مصالح مادی و دنیوی شهروندان، مانند آزادی فکری و عملی ایشان، در معرض تهدید باشد. در مقابل، در جوامع اخلاق‌محور یا اقتدارگرا، مصلحت اغلب از جنس بدنه حاکمیت و همچنین هنجارهای اخلاقی پذیرفته‌شده در جامعه است و در نتیجه اولویت بیشتری نسبت به دیگر مسائل مانند آزادی شهروندان خواهد داشت (قماش، ۱۳۹۳: ۱۰۹). در مدل حاکمیتی اسلام در تعریف مصلحت، بیان می‌شود مجموعه تدابیری است که دولت‌های اسلامی در راستای پاسداری از منافع دنیوی و معنوی جامعه و تحقق احکام شرعی اتخاذ می‌کنند (شاکری و تقی‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۳۵؛ معینی علمداری، ۱۳۷۸: ۱۵۳).

در مورد نقش این اصل در فرایند جرم‌انگاری در فضای مجازی، دو نکته مطرح می‌شود: نخست، اساساً با عنایت به گستردگی فضای مجازی و حضور گروه‌های مختلف اجتماعی که هر یک دیدگاه‌های سیاسی یا عقیدتی متفاوتی دارند، تحقق جرم‌انگاری موفق صرفاً زمانی ممکن است که این تفاوت‌ها مدنظر قرار گیرند. بر این اساس، حاکمیت باید بکوشد بستری سالم برای فعالیت صحیح کاربران فضای مجازی فراهم آورد، به‌گونه‌ای که هم کرامت آنان را حفظ کند و هم آنان را به رویکردهای مورد قبول حاکمیت در باب مصالح عمومی جامعه نزدیک سازد (Opwis, ۲۰۰۵: ۱۹۶؛ راسخ، ۱۳۸۷: ۱۱۱). مسئله بعدی، تفاوت در میزان توجه دولت‌ها به اصل مصلحت در فضای مجازی همانند فضای حقیقی است. به بیان روشن‌تر، حاکمیت‌هایی که به جرم‌انگاری حداقلی

و اصالت آزادی فردی باور دارند، مصالح عمومی را در برابر آزادی فکری و عملی شهروندان در اولویت‌های بعدی قرار می‌دهند و فقط در موارد ضروری به آن استناد می‌کنند. در مقابل در دولت‌های اقتدارگرا که رویکرد جرم‌انگاری حداکثری دارند، مفهوم مصلحت عمومی را موسع‌تر تفسیر کردند (فرح‌بخش، ۱۳۹۲: ۱۷).

در خصوص جرم‌انگاری تحریک به خودکشی اشخاص زیر هجده سال در فضای مجازی و ارتباط آن با اصل مصلحت‌سنجی نیز نکات یادشده اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. بدین معنا که اگر حاکمیت ضابطه مشخصی برای شناسایی مصالح طفل یا نوجوان نداشته باشد، نیازها و شرایط خاص آنان را درک نکند و نحوه عملکرد پیچیده و گسترده مجرمان سایبری در به‌دام‌انداختن و فریب این گروه را مدنظر قرار ندهد، نمی‌تواند در فرایند جرم‌انگاری به‌درستی از مصالح آنان صیانت کند. نهایتاً ممکن است یا به محدودسازی آزادی‌های مشروع بینجامد یا آزادی‌های غیرمنطقی را تجویز کند. در این بین، نوع نگرش حاکمیت نیز در فرایند جرم‌انگاری و محدودسازی رفتار کودکان و نوجوانان نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. در نظام‌های اخلاق‌محور و همچنین حکومت‌های اسلامی، حمایت از مصالح عمومی جامعه و اқشار آسیب‌پذیر جامعه غالباً با تأکید بر ارزش‌های معنوی و اخلاقی، همچون احترام به جسم و جان خود و دیگران، پررنگ‌تر از توجه به مسائل مادی صرف خواهد بود؛ هرچند صیانت از دارایی شهروندان و بنیادهای اقتصادی جامعه نیز در این نظام‌ها، اهمیت بسیاری دارد. گفتنی است در کشور ایران نیز مطابق اصل ۱۱۲ قانون اساسی، اصل مصلحت‌سنجی به رسمیت شناخته شده است.^۱

لزوم حفظ سلامت و حمایت از کودک در مسیر رشد، یکی از اصول بنیادین حقوق کودک است که در اسناد بین‌المللی، به‌ویژه کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، بر آن تأکید شده است. مطابق ماده ۶ این کنوانسیون، هر کودک حق ذاتی برای زندگی دارد و دولت‌ها موظف‌اند حداکثر تلاش خود را برای بقا و رشد کودک به کار گیرند. همچنین، در ماده ۲۴، بر حق کودک بر بهره‌مندی از بالاترین سطح دسترسی از سلامت و خدمات بهداشتی تأکید شده است. این ماده دولت‌ها را ملزم می‌سازد تا اقدامات مؤثری برای کاهش مرگ‌ومیر کودکان، ارائه تغذیه مناسب، آب آشامیدنی سالم، بهداشت محیط و آموزش‌های بهداشتی انجام دهند.

۱. اصل ۱۱۲ قانون اساسی: «مجمع تشخیص مصلحت نظام برای تشخیص مصلحت در مواردی که مصوبه مجلس شورای اسلامی را شورای نگهبان خلاف موازین شرع و یا قانون اساسی بداند و مجلس با در نظر گرفتن مصلحت نظام نظر شورای نگهبان را تأمین نکند و مشاوره در اموری که رهبری به آنان ارجاع می‌دهد و سایر وظایفی که در این قانون ذکر شده است به دستور رهبری تشکیل می‌شود. اعضای ثابت و متغیر این مجمع را مقام رهبری تعیین می‌نماید.»

از دیدگاه دکترین نیز، نظریه پردازان حقوق کودک همچون جرالدين فان بیورن^۱ و فیلیپ آلستون^۲ معتقدند که سلامت کودک هم حق فردی و هم مسئولیتی اجتماعی است و تحقق آن نیازمند سیاست‌گذاری‌های کلان در حوزه‌های بهداشت، آموزش و حمایت اجتماعی است. به علاوه، رشد کودک صرفاً به معنای رشد جسمی نیست، بلکه ابعاد روانی، اجتماعی، اخلاقی و ذهنی او را نیز در بر می‌گیرد؛ لذا حمایت از کودک باید جامع و فراگیر باشد (عمرانی فر و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۴۲). بی‌توجهی به این اصول، نقض آشکار حقوق کودک است و می‌تواند پیامدهای جبران‌ناپذیری برای فرد و جامعه در پی داشته باشد. در نتیجه، دولت‌ها و جامعه جهانی باید با اتخاذ تدابیر قانونی، اجرایی و فرهنگی، بستری مناسب برای رشد سالم کودکان را، که تا حد بسیاری شامل فضای مجازی هم می‌شود، فراهم سازند.

۳. مبانی حقوقی

مفهوم «جرم‌انگاری»^۳ بر اساس مبانی حقوقی آن، فرایندی است که در آن رفتاری خاص به جرم تبدیل می‌شود؛ بنابراین تعیین مصادیق مجرمانه و تعیین مجازات برای آن، جرم‌انگاری نامیده می‌شود. همچنین در تعریفی موسع‌تر، جرم‌انگاری فرایندی تلقی می‌شود که در آن یک رفتار در قالب فعل یا ترک فعل که سابقاً مباح بوده است، از سوی قانون‌گذار واجد عنوان مجرمانه می‌شود. در حقوق کشور ایران، مطابق قانون مجازات اسلامی زمانی می‌توان عنوان جرم را به یک رفتار نسبت داد و مرتکب را مجازات کرد که فعل یا ترک فعلی را انجام داده باشد که در قوانین کیفری برای آن کیفر پیش‌بینی شده باشد (عمرانی فر و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۹۲).

با این حال، در کنار مبانی یادشده درباره تحریک به خودکشی، لازم است مبانی و ریشه‌های حقوقی این موضوع نیز بررسی شود. در این راستا، برخی اصول مرتبط با جرم‌انگاری نیز می‌توانند در شناسایی دقیق‌تر عناوین مجرمانه و بهبود کیفیت جرم‌انگاری این رفتار در بستر فضای مجازی نقش مؤثری داشته باشند. در ادامه این مبحث، از اصولی مانند اخلاق‌گرایی قانونی، صیانت از حریم خصوصی اشخاص، حداقلی بودن عناوین مجرمانه و لزوم همسویی مقررات داخلی و بین‌المللی در زمینه جرایم سایبری و به‌ویژه تحریک به خودکشی کودکان و نوجوانان سخن به میان آمده است و سپس مقررات موجود در قوانین کیفری ایران، مخصوصاً «قانون جرایم رایانه‌ای» و «قانون حمایت از اطفال و نوجوانان» بررسی خواهد شد.

1. Geraldine Van Bjorn.
2. Philip Alston.
3. Criminalization.

۳-۱. اخلاق‌گرایی قانونی

یکی از مبانی مهم در حوزه جرم‌انگاری به‌خصوص در حاکمیت‌هایی که مبتنی بر احکام و دستورهای الهی و شرعی‌اند، حفظ مبانی اخلاقی و اولویت‌بخشی به آن بر دیگر مسائل حتی آزادی شهروندان خواهد بود. از جمله اصول مرتبط با این موضوع، اصل «اخلاق‌گرایی قانونی» است. مطابق این اصل، هر رفتاری که به نوعی موجب خدشه‌دار شدن هنجارهای اخلاقی و رنجش معنوی شهروندان شود و یا احکام اخلاقی شرع را نقض کند، باید جرم‌انگاری شود. در این زمینه، تفاوتی نمی‌کند که هنجارشکنی اخلاقی در بستر فضای حقیقی باشد یا از طریق سامانه‌های الکترونیکی و در بستر فضای مجازی رخ دهد (فرح‌بخش، ۱۳۹۲: ۳۴۷؛ آقابابایی و رضایی زادفر، ۱۳۹۳: ۱۲). همچنین نگرش این جوامع به مباحث اخلاقی، صرفاً جنبه‌ای فرامادی ندارد، بلکه نگرشی الزام‌آور در فرایند کنترل و محدودسازی رفتار شهروندان در فضای حقیقی و یا مجازی به‌شمار می‌آید. هدف از این الزام نیز صیانت از حقوق جامعه به‌مثابه یک کل مستقل در برابر مخاطرات موجود در هر دو فضا است (Devlin, 2005: 61؛ برهانی، 202: 1396).

با آنکه برخی بر این باورند که مباحث اخلاقی خارج از قلمرو مبانی اجتماعی یا حقوقی قرار می‌گیرند (علی‌آبادی، ۱۳۷۳: ۲)، به نظر می‌رسد نقش مبانی اخلاقی و در ذیل آن اصل اخلاق‌گرایی قانونی در بستر فضای مجازی برجسته‌تر باشد. دلیل این مسئله آن است که یکی از چالش‌های موجود در فضای مجازی، دسترسی‌های نامحدود کاربران به انواع محتوا و امکان برقراری ارتباطات عمیق و گسترده میان اقشار مختلف جامعه در سراسر جهان است که می‌تواند هنجارهای اخلاقی را بیش از پیش در معرض تهدید قرار دهد. این موضوع در خصوص تحریک به خودکشی کودکان و نوجوانان در فضای مجازی پررنگ‌تر خواهد بود؛ چراکه مسئله خودکشی در ماهیت خود به نوعی با مسائل اخلاقی مرتبط است و زمانی که کودکی یا نوجوانی تصمیم به پایان دادن زندگی خود بگیرد، بی‌تردید زمینه‌ها و آسیب‌های اخلاقی نیز در این فرایند نقش‌آفرین‌اند. همچنین حضور فعال این قشر در فضای مجازی و ناآگاهی آنان از چالش‌های اخلاقی و فکری این بستر، ضرورت اهمیت و توجه به مبانی اخلاقی در جرم‌انگاری تحریک به خودکشی کودکان و نوجوانان از سوی مجرمان سایبری را دوچندان می‌کند.

۳-۲. صیانت از حریم خصوصی اشخاص

یکی از مبانی مهم در بحث فلسفه جرم‌انگاری یک رفتار، به‌ویژه در فضای مجازی با توجه به ویژگی‌های خاص آن، ضرورت حفظ حریم خصوصی شهروندان و کاربران این فضا از هرگونه تعرض بدون مجوز و غیرقانونی دیگران و حتی حاکمیت است. در این زمینه، نوع هنجارها و

ارزش‌های پذیرفته‌شده میان شهروندان آن جامعه و همچنین نگاه حاکمیت به مقوله آزادی و ضوابط و معیارهای آن، در شدت و ضعف عملکرد دستگاه تقنینی آن کشور در فرایند جرم‌انگاری مؤثر خواهد بود. در خصوص صیانت از حریم خصوصی، کنوانسیون‌های بین‌المللی متعددی نیز تدوین شده‌اند؛ از جمله آن می‌توان به «کنوانسیون بوداپست» اشاره کرد که در بخشی از آن، دولت‌های عضو مکلف به رعایت حریم خصوصی اشخاص در کنار وضع قوانین داخلی در حوزه جرایم رایانه‌ای و یا سایبری شده‌اند. همچنین به موجب ماده ۱۶ از «کنوانسیون حقوق کودک»^۱ مصوب ۱۹۸۹ میلادی نیز بر لزوم احترام به حریم خصوصی اطفال و نوجوانان و برخورد با متجاوزان به این حریم تأکید شده است (جلالی فراهانی، ۱۳۸۹: ۵۸).

حضور اصل ضرورت صیانت از حریم خصوصی در فضای مجازی با توجه به گستردگی این فضا، نبود مرزهای مشخص و حضور شمار فراوانی از کاربران، موضوعی انکارناپذیر است. ضرورت توجه به این بحث در قانون اساسی کشور ایران نیز به مثابه اصلی‌ترین مقررۀ هر کشور به موجب اصول ۲۲ و ۲۵ تأکید شده است. اهمیت این موضوع در خصوص ممنوعیت تحریک به خودکشی در فضای مجازی، به‌ویژه درباره اشخاص زیر هجده سال، کمتر از دیگران نخواهد بود. کودکان و نوجوانان به علت نداشتن تجربه کافی برای درک چالش‌های فضای مجازی و بسترهای مرتبط با آن مانند شبکه‌های اجتماعی مجازی و نیز به دلیل پیوند عاطفی و روانی عمیقی که با کاربران این فضا برقرار می‌کنند، که در بسیاری از موارد ممکن است از فضای حقیقی نیز محکم‌تر باشد، بیش از دیگران در معرض آسیب قرار دارند. این شرایط باعث آسان‌تر شدن نفوذ مجرمان سایبری به حریم خصوصی کودک یا نوجوان و امکان آگاهی از خصوصی‌ترین مسائل زندگی آنان می‌شود. همچنین با سوءاستفاده از احساسات و روان آنان تفکراتی مانند پوچ‌گرایی را تقویت می‌کنند و در نهایت آن‌ها را به سمت خودکشی سوق می‌دهند.

برای پیشگیری از این آسیب علاوه بر لزوم صیانت از حریم خصوصی کودکان و نوجوانان از طریق در اختیار گذاشتن برخی ابزارها و اپلیکیشن‌های نظارتی برای والدین، ضروری است که دامنه نظارت والدین بر حریم خصوصی کودکان و نوجوانان در فضای سایبری گسترش یابد. همچنین در خصوص سایر افرادی که رابطه‌ای مشروع یا منطقی با کودکان و نوجوانان ندارند، باید هرگونه تلاش برای برقراری ارتباط بی‌مبنای آنان با این قشر به‌طور جدی محدود و حتی جرم‌انگاری شود. کما اینکه بخش قابل توجهی از جرایم مرتبط با حوزه کودکان و نوجوانان در

۱. ماده ۱۶ کنوانسیون حقوق کودک: «۱. در امور خصوصی، خانوادگی، یا مکاتبات هیچ کودکی نمی‌توان دلخواه با غیرقانونی دخالت کرد یا هتک حرمت نمود؛ ۲. کودک در برابر این‌گونه دخالت‌ها و یا هتک حرمت‌ها مورد حمایت قانون قرار دارد.»

بسیاری از نظام‌های حقوقی مبتنی بر جرم مادی صرف وضع شده‌اند تا حمایت حداکثری از کودک یا نوجوان به عمل آید (نکونام، ۱۴۰۲: ۲۶۱).

۳-۳. حداقلی بودن عناوین مجرمانه

مطابق اصل حداقلی بودن جرم‌انگاری یا عناوین مجرمانه، حاکمیت فقط در جایی حق دخالت در زندگی مردم و محدودسازی آزادی آن‌ها را خواهد داشت که ضرورت مقابله سرکوب‌گرایانه با رفتاری خاص را تشخیص دهد. این موضوع در دیدگاه سنتی به حقوق کیفری نیز وجود داشته است؛ به این معنا که هرگاه امکان اقامه دعوی خصوصی و یا سازش میان طرفین فراهم نباشد، اعمال ضمانت‌اجراهای کیفری فقط در صورتی مجاز است که یگانه راه حمایت از حقوق اشخاص و حفظ نظم عمومی و اقتدار دولت باشد. نگاه فعلی اندیشمندان حقوق کیفری به مقوله جرم‌انگاری حداکثری، آن را موجب تضعیف اقتدار و کاهش مشروعیت حاکمیت می‌داند، زیرا گسترش بی‌رویه محدودیت‌ها و کنترل‌های کیفری بر رفتار و روابط شهروندان در نهایت به از بین رفتن حقوق اساسی آنان، از جمله حق آزادی، می‌انجامد (جیربورگ، ۱۳۹۰: ۳۸۸).

در باره نسبت اصل حداقلی بودن عناوین کیفری و جرم‌انگاری تحریک به خودکشی اشخاص زیر هجده سال در فضای مجازی، ممکن است طرفداران این اصل بر این باور باشند که چنین رفتارهایی ذاتاً ماهیت کیفری ندارند و بیش از آنکه مسئله‌ای حقوقی باشند، در حوزه آسیب‌های اجتماعی و روان‌شناسی قرار می‌گیرند؛ از این رو، چندان در خصوص جرم‌انگاری آن موافق نباشند. با این حال، با تأمل دقیق‌تر در ویژگی‌های خاص فضای مجازی، از جمله گستردگی و وجود انبوه کاربران، در کنار خصایص خاص کودکان و نوجوانان، همچون آسیب‌پذیری و حساسیت‌های خاص جسمی و روحی، روشن می‌شود که تحریک گسترده این گروه به رفتارهای انحرافی از جمله خودکشی، می‌تواند تبعاتی سنگین بر سلامت فردی و اجتماعی بر جای گذارد. به نظر نمی‌رسد مقابله حاکمیت با این‌گونه اقدامات برای صیانت از منافع عمومی جامعه، یعنی حفظ قشر جوان و آینده‌ساز کشور و همچنین تحکیم اقتدار خود در برابر هنجارشکنان فضای مجازی، با اشکال مواجه شود.

۳-۴. لزوم هماهنگی قوانین حوزه فضای مجازی با رویکردهای بین‌المللی

یکی از مسائلی که همواره به‌عنوان دغدغه‌ای بین‌المللی مطرح بوده است، فقدان مقررات مشترک میان کشورها برای تعامل بیشتر و پیشبرد اهداف مشترک در آن حوزه است. مسائلی مانند ضرورت حمایت از زنان، کودکان و نوجوانان یا مبارزه با تروریسم، از نگرانی‌هایی بوده‌اند که در نهایت به

تصویب کنوانسیون‌ها و پیمان‌نامه‌های بین‌المللی همچون «کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان» و یا «کنوانسیون حقوق کودک» منجر شده‌اند و در آن‌ها تلاش شده است که از گروه‌های آسیب‌پذیر جامعه حمایت شود (آقایی و رحیم‌زاده، ۱۴۰۰: ۱۳۲). این دغدغه به فضای مجازی نیز تسری یافته است؛ امروزه با توجه به شکل‌گیری شبکه‌ای جهانی میان کاربران بدون مرزهای جغرافیایی، سیاسی یا فرهنگی، لازم است اجتماعات و گروه‌هایی‌های مختلفی برای بررسی بهتر فضای مجازی و شناسایی مخاطرات آن در سطوح بین‌المللی برگزار شود تا از این طریق بتوان قوانین داخلی مرتبط با این فضا را هرچه بیشتر به استانداردهای جهانی در حوزه فناوری‌های نوین نزدیک کرد (فضلی، ۱۳۸۹: ۶۶).

در خصوص تأثیر هماهنگی قوانین داخلی فضای مجازی با مقررات بین‌المللی در جرم‌انگاری تحریک به خودکشی کودکان و نوجوانان در این بستر، به نظر می‌رسد امروزه به دلیل فرامرزی بودن جریان‌ات انحرافی مانند تشویق و ترویج خودکشی و قابلیت انتشار بی‌حدومرز این محتواها، موضوع دیگر صرفاً مسئله‌ای داخلی تلقی نمی‌شود و مستلزم نگاهی فراملی است. در این میان، به هر میزان که حاکمیت‌ها در مبانی مورد پذیرش خود از جمله مبانی آزادی‌خواهانه و یا اقتدارگرایانه به یکدیگر نزدیک‌تر باشند، هماهنگی قوانین نیز بیشتر خواهد بود. گفتنی است کشور ایران نیز در راستای همسوس شدن با قوانین بین‌المللی، به موجب ماده ۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، قضات را مکلف کرده است به استناد کنوانسیون‌ها و معاهدات بین‌المللی مورد پذیرش دولت و مجلس، آرای قضایی صادر کنند.^۱

۳-۵. مقررات کیفری حقوق ایران

در جهان امروز، پدیده ناگوار خودکشی در میان اقشار مختلف، به‌ویژه کودکان و نوجوانان، با سرعتی چشمگیر در بسیاری از کشورهای جهان در حال گسترش است، که ممکن است ناشی از انگیزه‌ها و عوامل گوناگونی صورت گیرد. از این رو، ضرورت مقابله با افرادی که در فضای حقیقی یا مجازی دیگران را به خودکشی تحریک می‌کنند، اهمیتی دوچندان می‌یابد. این ضرورت در منابع فقهی معتبر شیعه که مبنای اصلی قوانین کیفری جمهوری اسلامی ایران و بسیاری از مقررات مرتبط با حوزه اخلاق و روح و روان انسان است، به‌وضوح مورد توجه قرار گرفته است. مقررات و احکام شرعی در خصوص حرمت خودکشی و یاری‌رساندن به آن را می‌توان به این شرح در سه منبع قرآن،

۱. ماده ۹ قانون مجازات اسلامی: «مرتکب جرایمی که به موجب قانون خاص یا عهدنامه‌ها و مقررات بین‌المللی در هر کشوری یافت شود در همان کشور محاکمه می‌شود، اگر در ایران یافت شود، طبق قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌گردد.»

سنت و عقل مشاهده کرد. نخست، در قرآن کریم به‌عنوان یکی از مهم‌ترین منابع معتبر حاکمیت اسلامی برای استخراج احکام شرعی و وضع قوانین، صراحتاً بر حرمت ازبین‌بردن عمدی جسم و جان بندگان از سوی خود فرد تأکید شده است^۱ (تفقی تهرانی، ۱۳۹۸: ۴۸؛ قرائتی، ۱۳۸۳: ۵۴). افزون بر این، خداوند متعال حسب آیه «۲» سوره مبارکه «مائده»، اعانت بر گناه را نیز ممنوع دانسته است^۲ (طیب، ۱۳۷۸: ۲۹۵؛ طبرسی، ۱۴۰۸ ه. ق: ۳). با توجه به آیه مذکور، می‌توان حکم بر حرمت اعانت بر خودکشی را به‌عنوان گناه کبیره استنباط کرد و مطابق عمومیت آیه شریفه، معاونت صرفاً به کمک‌های عملی محدود نمی‌شود، بلکه انواع همکاری‌های فکری و ارشادی به خودکشی را نیز شامل می‌شود (فاضل لنکرانی، ۱۴۱۶: ۴۴۹).

دوم، در کنار قرآن کریم، در روایات معصومین (ع) نیز بر این موضوع تأکید شده است. پیامبر اکرم (ص) در این خصوص می‌فرماید: «میان انسان‌های پیش از شما، مردی بر اثر جراحی دچار رنج و بی‌تابی شد، کاردی برداشت و با آن دستش را قطع کرد و از شدت خونریزی مُرد؛ پس خداوند فرمود: "بنده‌ام در گرفتن جان خود بر من پیشی گرفت، هرآینه بهشت را بر او حرام کردم"» (منذری، ۱۴۰۸ ه. ق: ۳۰۱). همچنین امام صادق (ع) نیز در خصوص انتظار مجازات جهنم برای شخصی که خودکشی می‌کند، فرمودند: «هرکسی که دانسته خودکشی کند، پیوسته در دوزخ خواهد بود» (کلینی، ۱۴۰۴ ه. ق: ۴۵). امام باقر (ع) نیز در خصوص حرمت مرگ مؤمن به دست خود می‌فرماید: «همانا ممکن است مؤمن به هر بلایی مبتلا شود و به هر (نوع) مرگی بمیرد، اما هیچ‌گاه خود را نمی‌کشد» (مجلسی، ۱۴۰۳ ه. ق: ۱۹۶؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹ ه. ق: ۱۳). همچنین از نگاه ایشان، اعانت بر اثم از جمله تحریک و یا تشویق کردن به خودکشی نیز ممنوع است. در روایتی از پیامبر اکرم (ص)، ایشان فرمودند: «کسی که به قتل مسلمانی کمک کند، حتی اگر دخالتش در حد یک کلمه باشد، روز قیامت در حالی محشور می‌شود که بین دو چشمش نوشته است "ناامید از رحمت خدا"» (کلینی، ۱۴۰۴ ه. ق: ۱۰۹۳).

در خصوص آیات، روایات شریفه و ارتباط آن‌ها با جرم‌انگاری تحریک به خودکشی در بستر فضای مجازی، به‌ویژه قشر کودک یا نوجوان، با توجه به گستردگی فضای مجازی در جهان معاصر و ابتلای شدید کودکان و نوجوانان به این فضا و از طرف دیگر وجود حساسیت‌های خاص جسمی، روحی و فکری در این قشر که آنان را به‌سرعت در معرض ترغیب و مخاطراتی مثل تشویق

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا».

۲. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْلُوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَلَا الشُّهُرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْقَلَائِدَ وَلَا آمِينَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ يَتَّبِعُونَ فَضْلًا مِنْ رَبِّهِمْ وَرِضْوَانًا وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاَنُ قَوْمٍ أَنْ صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ تَعْتَدُوا وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ».

به خودکشی قرار می‌دهد و از طرف دیگر عمومیت آیات قرآن کریم و روایات معصومین (ع) و همچنین پویایی فقه شیعه و قابلیت تطبیق احکام آن با مسائل نوظهور، به نظر می‌رسد ضرورت تدوین مقررات در جامعه اسلامی در خصوص حرمت تحریک به خودکشی کودکان و نوجوانان امری اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.

سوم، در فقه شیعه، عقل علاوه بر اینکه ابزاری برای استخراج احکام شرعی از دیگر منابع معتبر است، خود نیز به‌مثابه منبعی مستقل برای استنباط و صدور احکام و فتاوی شناخته می‌شود. در خصوص ارتباط عقل و جرم‌انگاری تحریک به خودکشی اشخاص زیر هجده سال در بستر فضای مجازی، می‌توان از دو منظر توضیح داد: نخست، دین و عقل از یکدیگر جدا نیستند و فقه شیعه مباحث عقلی را منبع معتبری برای استخراج احکام شرعی شناخته است. حتی در فرض وجود عقلانیت جدای از دین، باز هم قطعاً عقل رأی بر حرمت این عمل خواهد داد؛ زیرا کودکان و نوجوانان آینده‌سازان و سرمایه انسانی جامعه‌اند و با گسترش خودکشی در میان این گروه، از طریق سامانه‌های الکترونیکی و فضای مجازی، به‌منزله بستری جهان‌شمول، در نهایت به نابودی آن جامعه منجر خواهد شد. دوم، در بعد اصولی موضوع، می‌توان به «مستقلات عقلیه» و تشکیل یک گزاره عقلی و اخذ نتیجه از آن استناد کرد. بر این اساس، در «صغرای قضیه»، عقل حکم به حسن و قبح برخی از افعال انسان‌ها می‌دهد که با بررسی نظریات موجود، مهم‌ترین آن حکم عقل به حسن عدالت و قبح ظلم است. در «کبرای قضیه»، وجود ملازمه میان عقل و شرع قرار می‌گیرد که فقها برای آن تعبیر «کل ما حکم به العقل حکم به الشرع» را به کار برده‌اند؛ بدین معنا که هر چه عقل به آن حکم کند، شرع نیز حکم خواهد کرد (محقق داماد، ۱۳۸۷: ۱۰۸؛ قافی و شریعتی، ۱۳۹۵: ۱۴۲). حال در خصوص این موضوع، در صغرای قضیه عقل از باب حسن عدالت و قبح ظلم، حکم به زشتی و قباح ذاتی تحریک به خودکشی کودکان و نوجوانان در فضای مجازی می‌دهد. در کبرای قضیه نیز بیان می‌شود هر جا که عقل حکمی بدهد، شرع نیز بدان حکم خواهد کرد. بنابراین، نتیجه آن است که به حکم عقل، تحریک به خودکشی اشخاص زیر هجده سال چه در بستر فضای حقیقی و چه مجازی، قبیح و مستلزم مجازات مرتکب خواهد بود.

در حقوق ایران، خودکشی در فضای حقیقی جرم نیست و حسب قوانین کیفری نیز معاونت در رفتاری که جرم نیست، مجازات ندارد؛ در نتیجه، انواع رفتارهای معاونت از جمله تحریک به خودکشی نیز جرم نخواهد بود. اما مقنن به‌رغم بی‌توجهی به این پدیده در فضای حقیقی، در فضای مجازی تحریک به خودکشی اشخاص را در قالب بند «ب» ماده «۱۵» قانون جرایم رایانه‌ای پیش‌بینی کرده است.^۱ طبق این ماده، اقدامات مرتکب از نوع معاونت است و به نظر می‌رسد مقنن

۱. ماده ۱۵ قانون جرایم رایانه‌ای: «هرکس از طریق سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده مرتکب اعمال

مصادیق یادشده در این بند را مانند تحریک و ترغیب و از این قبیل، احصاء کرده است و رفتاری خارج از این موارد متصور نخواهد بود (عالی‌پور، ۱۳۹۵: ۱۶۳). همچنین به این علت که رفتارهای مذکور ماهیتاً معاونت‌اند، این جرم مقید به نتیجه نیست و لازم نیست جرایم مورد نظر مرتکب از سوی شخص تحریک‌شده محقق شود (بابایی، ۱۳۹۸: ۱۶۲). دربارهٔ سوءنیت خاص مرتکب، برخی معتقدند که الفاظی مانند «به قصد» در متن ماده، بر وجود قصد خاص مرتکب دلالت دارد؛ یعنی مرتکب باید قصد تحقق رفتارهایی مانند خودکشی کاربر مورد تحریک را داشته باشد. در مقابل، گروهی دیگر معتقدند که تحقق این جرم به سوءنیت خاص و همچنین انگیزهٔ خاص مرتکب نیازی ندارد (عالی‌پور، ۱۳۹۵: ۳۱۱).

در مورد تحریک به خودکشی کودکان و نوجوانان در فضای مجازی، مقنن با توجه به ویژگی‌های خاص این گروه از جمله آسیب‌پذیری روحی و عاطفی، تأثیرپذیری شدید و نبود تجربهٔ کافی که آنان را مستعد فریب‌خوردن و سوق‌دادن به ارتکاب رفتارهای مجرمانه یا حتی خودکشی می‌کند، به موجب مادهٔ «۱۴» قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹، تحریک به خودکشی را به‌طور خاص جرم‌انگاری کرده است. این ماده مجازات مرتکب را در فرض تحقق نتیجه، یعنی فوت کودک یا نوجوان یا عدم تحقق آن تفکیک کرده است.^۱ هرچند در این ماده، از تحریک به خودکشی کودک یا نوجوان در فضای مجازی سخنی به میان نیامده است، اما با توجه به اطلاق واژهٔ «موجبات» در ماده و نیز ملاحظهٔ مادهٔ ۱۵ قانون جرایم رایانه‌ای که حکم کلی مبنی بر مجازات‌کردن اشخاصی که با سوءاستفاده از سامانه‌های الکترونیکی در بستر فضای مجازی، دیگران را تحریک یا تهییج به خودکشی می‌کنند، صادر کرده است، می‌توان حکم یادشده را به فضای مجازی نیز تسری داد. علاوه بر این، لزوم حمایت مادی و معنوی از این قشر آسیب‌پذیر که سرمایه‌های انسانی

زیر شود، به ترتیب زیر مجازات خواهد شد:...

ب. چنانچه افراد را به ارتکاب جرائم منافی عفت یا استعمال مواد مخدر یا روان‌گردان یا خودکشی یا انحرافات جنسی یا اعمال خشونت‌آمیز تحریک یا ترغیب یا تهدید یا دعوت کرده یا فریب دهد یا شیوهٔ ارتکاب یا استعمال آن‌ها را تسهیل کند یا آموزش دهد، به حبس از ۹۱ روز تا یک سال یا جزای نقدی از پنج میلیون (۵.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا بیست میلیون (۲۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم می‌شود.

۱. مادهٔ ۱۴ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان: «هرکس به هر نحو موجبات ارتکاب به خودکشی طفل یا نوجوان را فراهم آورد یا تسهیل کند و مشمول مقررات حد یا قصاص نشود، علاوه بر پرداخت دیه طبق مقررات، حسب مورد به ترتیب زیر مجازات می‌شود:

الف. هرگاه رفتار مرتکب، موجب خودکشی منجر به فوت طفل و نوجوان شود، به مجازات حبس درجهٔ پنج قانون مجازات اسلامی؛

ب. هرگاه اقدامات مرتکب موجب فوت طفل و نوجوان نشود، ولی منجر به ورود آسیب جسمی یا روانی به طفل و نوجوان شود به مجازات حبس درجهٔ شش قانون مجازات اسلامی؛

پ. هرگاه اقدامات مرتکب مؤثر واقع نشود، به مجازات حبس درجهٔ هشت قانون مجازات اسلامی.

کشورند و توجه به تالی فاسد عدم جرم‌انگاری و عدم مقابله با این پدیده، به‌ویژه با توجه به ویژگی‌های خاص فضای مجازی مانند فرامرز بودن و گستردگی مخاطبان، قابلیت تکثیر و انتشار سریع محتوا نشان می‌دهد که پذیرش مجازات محرکین به خودکشی کودکان و نوجوانان در بستر فضای سایبری چندان دور از ذهن نخواهد بود.

نتیجه‌گیری

امروزه فضای مجازی از قالب محیطی غیرحقیقی فاصله گرفته است و به سمت تبدیل شدن به فضای حقیقی و جهان نخست کاربران خود در سراسر جهان حرکت می‌کند. ویژگی‌های خاص فضای مجازی مانند گستردگی و وجود مخاطبان فراوان با نگرش‌های متفاوت، امتیازات ارزشمندی را برای کاربران خود فراهم کرده است؛ از جمله برقراری ارتباط با افراد گوناگون و کسب تجارب جدید. اما از طرف دیگر، همین ویژگی‌های خاص در برخی از موارد به معضلی برای کاربران آن تبدیل خواهد شد. یکی از این چالش‌ها که بسیاری از جوامع امروز، حتی به ظاهر پیشرفته با آن درگیرند، تأثیر فضای مجازی در ذهن و روان مخاطبان این فضا و ترغیبشان به پایان دادن زندگی خود بنا به دلایل مختلف مانند پوچ بودن نهایت زندگی بشر و یا حل نشدن مشکلات اقتصادی و جسمی و روانی است. در این راستا، کودکان و نوجوانان بیش از سایر گروه‌ها در معرض آسیب قرار دارند؛ چراکه بخش قابل توجهی از فعالیت‌های روزمره آنان از امور آموزشی و پژوهشی تا سرگرمی مانند گذران اوقات فراغت و یا پیدا کردن دوستان جدید، در فضای مجازی رقم می‌خورد. این گروه به‌واسطه ویژگی‌های خاص روحی و عاطفی و نیز فقدان تجربه کافی در مواجهه با چالش‌های این فضا، ممکن است در دام اعمال و سخنان اشخاصی بیفتند که با سوءاستفاده از شرایط ویژه آنان، ترغیب به خودکشی کنند و یا موجبات آن را فراهم کنند. چنین رفتارهایی هم آن‌ها را به کام مرگ می‌کشاند و علاوه بر داغدار کردن خانواده و دوستان ایشان، جامعه را از داشتن نیروهای انسانی فعال و آینده‌ساز محروم می‌کند.

با توجه به ضرورت حمایت از کودکان و نوجوانان در بستر فضای مجازی از خطر خودکشی، حاکمیت‌ها طبق مبانی و دیدگاه‌های مورد پذیرش خود، این رفتار را جرم‌انگاری می‌کنند. برخی از این جوامع مانند جوامع اخلاق‌محور و یا اسلامی، با انتخاب اصولی مانند اخلاق‌گرایی قانونی یا رجوع به منابع فقهی و شرعی خود، یعنی کتاب و سنت و عقل، حکم بر ممنوعیت تحریک کودکان و نوجوانان به خودکشی در فضای مجازی می‌دهند. در کنار مبانی اخلاقی، مبانی اجتماعی جرم‌انگاری تحریک به خودکشی اشخاص زیر هجده سال در بستر فضای مجازی، بر دو محور اساسی استوار است: نخست، احراز ورود ضرر واقعی و ملموس به شهروندان جامعه و دوم،

میزان افزایش مقبولیت و پذیرش عمومی نسبت به مداخله حاکمیت. بر این اساس، نگاه حاکمیت به جرم‌انگاری این‌گونه اقدامات، نگاهی حداقلی خواهد بود که این نگاه بیشتر در جوامع مبتنی بر مکاتب آزادی‌خواه و لیبرال ملاحظه می‌شود. دیگر مبنای پذیرفته‌شده که اغلب مقبول در میان مکاتب اقتدارگرا و توتالیته است، نگاه حداکثری به جرم‌انگاری تحریک به خودکشی از باب ایفای بهتر نقش پدری حاکمیت بر مردمانش و همچنین رعایت مصلحت ایشان در برابر این‌گونه اقدامات در بستر فضای مجازی است. در این بین، اصولی مانند ضرورت صیانت از حریم خصوصی شهروندان و جلوگیری از رنجش آنان از رفتار مجرمان و همچنین همسوس شدن قوانین داخلی و بین‌المللی در حوزه تدوین مقررات فضای مجازی، با شدت و ضعف متفاوتی مشترک میان تمامی حاکمیت‌ها خواهد بود.

در زمینه مبانی جرم‌انگاری تحریک به خودکشی کودکان و نوجوانان در فضای مجازی، به نظر می‌رسد طبق مقررات کیفری ایران و به‌ویژه مواد «۱۵» قانون جرایم رایانه‌ای و «۱۴» قانون حمایت از اطفال و نوجوانان که به نوعی سعی در همسویی با قوانین بین‌المللی این حوزه مانند «کنوانسیون حقوق کودک» دارند، اغلب این مبانی البته به میزان متفاوتی از سوی دستگاه تقنینی کشور پذیرفته شده‌اند. قانون مجازات اسلامی به‌عنوان قانون مادر در حوزه قوانین کیفری و سایر مقررات مرتبط، بر مبنای اصولی مانند اخلاق‌گرایی و با توجه به منابع فقهی معتبر یعنی قرآن، سنت و عقل تدوین شده است و مسئله احترام به جان خود و دیگران، اصل ثابت و مسلم اخلاقی و شرعی خواهد بود. خسارات مادی و معنوی ناشی از خودکشی کودک یا نوجوان، که به داغدار شدن یک خانواده و محرومیت جامعه از نیروهای آینده‌ساز در کشور، در کنار ایجاد احساس ناامنی و رنجش جسمی و روحی عموم مردم و در نهایت کاهش مقبولیت حاکمیت نزد شهروندان می‌انجامد، از مبانی اجتماعی پذیرش این موضوع در قوانین کیفری ایران است. همچنین وجود سیاست‌های کلی نظام و مخصوصاً سیاست‌های کیفری مبنی بر لزوم تقویت اقتدار حاکمیت اسلامی و برآورده‌سازی انتظارات عمومی مردم در کنار حفظ مصالح ایشان و نظام اسلامی، به اعمال مبانی سیاسی بر اساس اصولی مانند پدرسالاری قانونی و همچنین حفظ مصلحت عمومی منجر خواهد شد. در این بین، در برخی از موارد به‌ویژه در حوزه مسائل اخلاقی به سبب نبود چهارچوب مشخص و اختلاف نظر در ماهیت و مصادیق آن و همچنین ضرورت صیانت از مصالح کلی نظام، ممکن است باعث حرکت سیاست‌های تقنینی کشور به سمت جرم‌انگاری حداکثری در فضای مجازی شود که از نتایج احتمالی آن، تعرض به حریم خصوصی کاربران فضای مجازی از جمله کودکان و نوجوانان خواهد بود. بنابراین در این زمینه دستگاه تقنینی کشور بایستی با دقت نظر بیشتری کیفرگزینی کند.

- در نهایت این پیشنهادها در راستای بهبود وضعیت موجود ارائه می‌شوند:
۱. تدوین قوانین جامع و شفاف: اگرچه به‌طور کلی وفق ماده ۱۵ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان تحریک به خودکشی جرم‌انگاری شده است، پیشنهاد می‌شود قانون‌گذار با توجه به اصول جرم‌انگاری مورد بررسی، قوانین مشخصی برای جرم‌انگاری تحریک به خودکشی در فضای مجازی مخصوص اطفال و نوجوانان با تأکید بر ظرافت‌ها و حساسیت‌های موجود تدوین کند که در آن تعادل میان حمایت از کودکان و حفظ آزادی‌های فردی رعایت شود.
 ۲. تشکیل نهادهای نظارتی تخصصی: تشکیل نهادهای مستقل برای پایش محتوای فضای مجازی، شناسایی عاملان تحریک به خودکشی، و ارائه راهکارهای پیشگیرانه می‌تواند نقش مهمی در کاهش این معضل داشته باشد.
 ۳. افزایش آگاهی عمومی: اجرای برنامه‌های آموزشی برای خانواده‌ها، معلمان و کاربران فضای مجازی به منظور شناسایی نشانه‌های خطر و افزایش آگاهی درباره راه‌های مقابله با چنین تهدیدهایی ضروری است.
 ۴. همکاری‌های بین‌المللی: از آنجا که فضای مجازی مرز جغرافیایی نمی‌شناسد، همکاری‌های بین‌المللی در زمینه تبادل اطلاعات، همگام‌سازی قوانین و اقدامات مشترک علیه عاملان تحریک به خودکشی ضروری به نظر می‌رسد.
 ۵. گسترش راهکارهای فناورانه: استفاده از الگوریتم‌های تحلیل داده برای شناسایی و مسدودسازی محتوای تحریک‌آمیز در راستای جرایم علیه تمامیت جسمانی و روانی، می‌تواند نقش مؤثری در کاهش این تهدید علیه کودکان و نوجوانان داشته باشد.

منابع

۱. احمدی موحد، اصغر. (۱۳۸۰). «حذف دادسرا، علل و نتایج»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۶۵، شماره ۳۶، صص ۱۳۴-۱۲۵.
۲. افسرده، عطاءالله. جلال‌پور، شیوا و عامری گلستانی، حامد. (۱۳۹۷). «واکاوی جایگاه حقوق طبیعی فرد در قانون اساسی مشروطه»، پژوهشنامه علوم سیاسی، دوره ۱۳، شماره ۳، صص ۳۶-۷.
۳. امین، حسن. (۱۳۹۱). تاریخ حقوق ایران، تهران: دایره المعارف ایران‌شناسی.
۴. انصاری، ولی‌الله. (۱۳۸۰). حقوق تحقیقات جنایی (مطالعه تطبیقی)، تهران: انتشارات سمت.
۵. آبراهامیان، پرواند. (۱۴۰۲). ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی. تهران: نشر نی.
۶. آدمیت، فریدون. (۱۳۴۹). اندیشه‌های میرزا فتحعلی آخوندزاده، تهران: انتشارات خوارزمی.
۷. آدمیت، فریدون. (۱۳۶۳). اندیشه‌های طالبوف تبریزی، تهران: انتشارات دماوند.
۸. آشوری، محمد. (۱۳۷۶). عدالت کیفری (مجموعه مقالات)، تهران: گنج دانش.

۹. آشوری، محمد. (۱۴۰۰). آیین دادرسی کیفری. جلد ۲، ویراست پنجم، تهران: سمت.

10. Afary, J. (1994). Social democracy and the Iranian Constitutional Revolution of 1906-11, In **A century of revolution: social movements in Iran**, John Foran (ed). Minneapolis: University of Minneapolis Press. PP 21-43.
11. Bartlett, Robert (1986). Trial by Fire and Water, Oxford: Oxford University Press.
12. Colin, Morris (1975). “**Judicium Dei: The Social and Political Significance of the Ordeal in the Eleventh Century**”, Studies in Church History 12, PP 95-111.
13. Cohler, Anne M., Miller, Basia C. and Stone, Harold S. (1989). **Montesquieu: The spirit of the laws**, Cambridge: Cambridge University Press.